نفر به نفر

سینا فتوت
روزنامه‌نگار ورزشی

حب وطن

ظهر روز بازی ایران و انگلیس، یک مطلب داغ نوشتم در مورد عربستان و آرژانتین! کنایه‌ای بود که سایه بازی ایران و آرژانتین روی سر عربستانی‌هاست و اینکه آنها باید مقاومت خود مقابل مسی را مثل ایرانی‌ها به دقیقه حساب کنند! تهش هم همان کری‌های همیشگی فوتبال ایران و عربستان و یادآوری اینکه ما تا الان تحقیر نشده‌ایم اما شما در جام‌های قبل شکست‌های بد زیاد داشتید!

خب! بعد از ظهر همان روز خوردیم به انگلیس و نامردها کاری را با ما کردند که هیتلر با لهستان! بعدش نوبت بازی عربستان و آرژانتین رسید. گفتیم آخ جان! هفت هشت گلی می‌خورند و می‌شورد و می‌برد پایین! نیمه اول فقط یک گل خوردند! نیمه دوم دو تا زدند! آخ! بدتر شد که! تمام مدت قیافه سفیر عربستان در تهران می‌آمد جلوی چشمم که قرار است بیاید دم ایران ورزشی و از دم در مرا صدا کند و با شمشیر بیفتد به جانم!

خلاصه اینکه هر چه نوشته بودم، در سابقه خبرنگاری من ماند. عربستان، در دیداری واقعاً جذاب و تماشایی، آرژانتین را با مسی شکست داد تا یک روز درخشان را به ملتش هدیه دهد. ما هم البته تلاش می‌کنیم تا از تریبون‌های رسمی، بازیکنان را به خاطر نخواندن سرود ملی تهدید کنیم و همزمان از طریق فضای مجازی به آنها حمله کنیم!

بگذریم. عربستان در مقابل آرژانتین، چقدر ستودنی بود. لحظه‌هایی از وقت تلف کردن هم داشتند اما چقدر جنگیدنشان برای حفظ شگفتی ارزش داشت. وقتی عربستانی‌ها می‌جنگیدند تا گل نخورند، یاد بازی ایران و اسپانیا افتادم. یاد بازی ایران و پرتغال. یاد بازی ایران و آرژانتین و حتی ایران و امریکا. جنگیدن فقط برای یک کلمه... حب وطن!

دوری جمیل، رمز تحول فوتبال عربستان

سام ستارزاده
روزنامه‌نگار ورزشی

چهار سال قبل، آنتونیو پیتزی با یک نتیجه فاجعه‌بار در جام جهانی روسیه و چند ماه بعد، حذف مقابل قطر در سیاسی‌ترین بازی جام ملت‌های آسیای امارات، از سرمربیگری عربستان سعودی برکنار شد. اما پیش از این برکناری، بزرگ‌ترین مشاوره خود را در اختیار سعودی‌ها گذاشت. پیتزی به سطح کیفی پایین فوتبال عربستان و رقابتی نبودن آن اشاره کرد، بستری که موجب شد در آن دوره عربستانی‌ها در ازای پرداخت پول به باشگاه‌های لالیگایی، چند ملی‌پوش خود را نیم‌فصل و به‌طور قرضی به آن باشگاه‌ها بفرستند، تصمیمی که آنان را از شرایط بازی خارج کرد و نتیجه عکس داشت. پیتزی با نتایجی ضعیف نیمکت شاهین‌ها را به هروه رنار واگذار کرد؛ اما با مشاوره وی، لیگ عربستان ۱۶ تیمی شد و با کمک هزینه هنگفتی که ملک سلمان در اختیار باشگاه‌های دولتی آن گذاشت، تقریباً تمام باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای عربستان ۸ بازیکن خارجی با کارنامه درخشان در فوتبال اروپا و امریکای جنوبی را در اختیار گرفتند. ریشه تحول فوتبال عربستان در ۴ سال اخیر را می‌توان در رشد لیگ داخلی این کشور یافت؛ در تکیه زدن الهلالی بر بام فوتبال آسیا که بدنه ترکیب اصلی شاهین‌ها را تشکیل می‌دهد. همین امسال، عربستان ۳ سهمیه از ۸ سهمیه غرب آسیا در دور حذفی لیگ قهرمانان آسیا را از آن خود کرده است. در فصل جاری، سرمربیان بزرگی نظیر رامون دیاز، نونو اسپریتو ساتو، پدرو امانوئل و رودی گارسیا هدایت باشگاه‌های مطرح لیگ دوری جمیل را در اختیار دارند. عربستان، در کنار قطر و انگلیس سه تیمی هستند که تقریباً یا کاملاً، تمام لیست بازیکنان‌شان در جام جهانی از بازیکنان لیگ داخلی تشکیل شده است. درسی که از ساخت نسل طلایی فوتبال انگلیس و تحول فوتبال عربستان می‌توان گرفت، این است که برای پرورش بازیکنان باکیفیت، به یک لیگ سطح بالا نیاز است. چند ماه پیش از آغاز جام جهانی، تیم زیر ۲۳ ساله‌های عربستان به قهرمانی جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا رسیدند. عربستانی‌ها امسال درس بزرگی به فوتبال ما دادند. تفاوت فوتبال ایران و عربستان در دو جام جهانی اخیر، تفاوت کشوری است که از گل‌های خورده‌اش عبرت گرفت و کشوری که گل‌های خورده‌اش را به پای غیرانگلیسی‌ها نوشت.

آنهایی که خودشان را برای تماشای مسابقات جام جهانی به قطر رسانده‌اند با تبلیغات جالبی در تلویزیون‌های بزرگ تعبیه شده در اطراف ۸ ورزشگاه میزبان جام جهانی مواجه می‌شوند. تبلیغاتی که در آن مسی گردشگران را به بازدید از عربستان دعوت می‌کند. این بخشی از پروژه مشترک عربستان و لیونل مسی است

بازخوانی رابطه صمیمانه مسی و عربستان سعودی

او خودش را به شیطان فروخت

رسول مجیدی
روزنامه‌نگار

سال ۲۰۱۲ وقتی مسی برای اولین بار به عربستان سفر کرد، اصلاً فکرش را نمی‌کرد روزی در جام جهانی با آرژانتین به تیم ملی این کشور ببازد. بازی اول برای مسی و آلبی سلسته خیلی بد شروع شد اما خیلی‌ها اعتقاد دارند این یک اتفاق بوده و آرژانتین بزودی به مسابقات برمی‌گردد. تجربه نشان داده که مسی با عربستانی‌ها مهربان است. روز قبل از بازی سایت اتلتیک یک گزارش بلندبالا از رابطه مسی و عربستان منتشر کرد که تیترش جالب بود: «او خود را به شیطان فروخته است».

آدام کرافتون نویسنده این سایت مطلب بلندبالایی از قرارداد مسی و مسئولان عربستان نوشته بود. او شاید فکرش را نمی‌کرد که چند ساعت بعد قرار است یکی از بازی‌های ضعیف مسی رقم بخورد و عربستان یکی از عجیب‌ترین نتایج تاریخ جام جهانی را رقم بزند.

رابطه دولت عربستان و لیونل مسی البته چیز جدیدی نیست. همه از قرارداد هنگفت او و صندوق‌های سعودی آگاه هستند. همین چند ماه پیش بود که مسی سفری کرده بود به عربستان و در ویدئوهای مختلف مناطق دیدنی این کشور عمدتاً کویری را به جهانیان نشان می‌داد. او سفیر توریسم کشور عربستان سعودی است. گفته می‌شود خیلی از فوتبالیست‌ها از جمله رونالدو حاضر نشده‌اند سفیر گردشگری عربستان شوند اما مسی با دریافت پولی هنگفت عهده‌دار این سمت شده. رسانه‌ها نوشته‌اند که رونالدو قرارداد سالی ۵ میلیون پوندی را رد کرده و ظاهراً قرارداد مسی چیزی فراتر از ۵ برابر پیشنهاد به رونالدو بوده؛ یعنی سالی ۲۵ میلیون پوند برای چند عکس و پست اینستاگرامی.

آنهایی که خودشان را برای تماشای مسابقات جام جهانی به قطر رسانده‌اند با تبلیغات جالبی در تلویزیون‌های بزرگ تعبیه شده در اطراف ۸ ورزشگاه میزبان جام جهانی مواجه می‌شوند. تبلیغاتی که در آن مسی گردشگران را به بازدید از عربستان دعوت می‌کند. این بخشی از پروژه مشترک عربستان و لیونل مسی است.

حالا البته گزارش‌هایی رسیده که نشان می‌دهد عربستان هم دوست دارد مثل قطر میزبانی جام جهانی را بچشد. دولت بن‌سلمان در چند سال گذشته طرحی موسوم به «چشم‌انداز ۲۰۳۰» دارد. آنها می‌خواهند تا این سال به جهانیان نشان دهند که از یک کشور سنتی گذار کرده‌اند و به یک کشور کاملاً مدرن تبدیل شده‌اند. به همین دلیل هم هست که شایعات از طرح میزبانی مشترک آنها با مصر و یونان حکایت دارد! جام جهانی ۲۰۲۶ قرار است با میزبانی ۳ کشور انجام شود و از آنجایی که قرار است تعداد تیم‌های حاضر در جام به ۴۸ تیم افزایش یابد، ظاهراً ماجرای سال ۲۰۳۰ هم همین خواهد بود. کما اینکه پیشنهاد دیگر میزبانی از سه کشور پرتغال، اسپانیا و اوکراین آمده. البته جذاب‌ترین پیشنهاد را شاید آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه و شیلی داده‌اند. جام جهانی ۲۰۳۰ در واقع صد سالگی برگزاری جام جهانی است و شاید همه دوست داشته باشند بعد از یک قرن دوباره فینال در اروگوئه انجام شود. اما حالا خبر رسیده که عربستان بدش نمی‌آید مبتکر طرح میزبانی سه قاره باشد: عربستان از آسیا، مصر از آفریقا و یونان از اروپا. نکته مهم این است که ظاهراً مسی در حمایت از کشورش برای میزبانی یا ادامه تبلیغ عربستان برای گرفتن میزبانی مردد است. این چیزی است که البته رسانه‌های انگلیسی می‌گویند. همان‌هایی که مدت‌هاست به مسی فشار می‌آورند تا به دلیل مشکلات حقوق بشری عربستان و بخصوص ماجرای قتل جمال خاشقچی، بهترین فوتبالیست دنیا را از همکاری با دولت سعودی بازدارند.

سه‌شنبه ظهر در دوحه مسی و آرژانتین به عربستان باختند اما آیا آنها در هفتاد و چهارمین کنگره فیفا که در سال ۲۰۲۴ برگزار می‌شود هم بازنده خواهند بود و به میزبانی جام جهانی نمی‌رسند؟ شاید بازهم مسی تعیین کننده باشد.

اگر «گذشته» مبنای تشخیص «آینده» باشد

«کی‌روش» مضموم متنبه نمی‌شود

وصال روحانی
روزنامه‌نگار

منطق حکم می‌کرد که یک بار دیگر به مربی‌هایی روی نیاوریم که در دو مرتبه قبلی حضورمان در مرحله نهایی جام‌های جهانی (۲۰۱۴ و ۲۰۱۸) با هدایت وی ناکام مانده‌ایم ولی حالا که باز هم از کارلوس کی‌روش استفاده می‌کنیم و بر اثر آن در دیدار اول‌مان برابر انگلیس شکست بدی خورده‌ایم، باید پرسید فلسفه‌های کاری و گزینش‌های او تا چه حد برای توفیق ما در دوره جدید جام جهانی (۲۰۲۲ قطر) و به واقع در دو بازی بعدی‌مان به کار می‌آید.

به هر چیزی هم که شک داشته باشیم، در این نکته تردیدی نیست که سرمربی پرتغالی یوزها با همان سیاست‌ها و روش‌های همیشگی‌اش آنها را مقابل دو همگروهی دیگرمان در دسته دوم جام جهانی ۲۰۲۲ قرار خواهد داد. دیگر سخن اینکه کی‌روش باز هم با چیدن دفاعی چند لایه و سپردن وظایفی دفاعی به تمامی هافبک‌های وسط ما و حتی پیستون‌های‌مان ابداً به گل نخوردن نمی‌اندیشد و اگر شرایط یاری کرد و فرصت اجرای ضد حملات پیش آمد، از این قضیه و همچنین ضربات ایستگاهی و کرنرها بیشترین بهره را خواهد گرفت. این همان روشی است که در جام جهانی ۲۰۱۴ ثمر کامل نداد و به رغم کسب نتیجه مساوی مقابل نیجریه در دو دیدار بعدی (در برابر آرژانتین و بوسنی) فقط پیام‌آور شکست شد و تنها یک گل زده را برای ما در قبال چهار گل خورده به ارمغان آورد. برخوردی از همین دست البته در دوره بعدی جام جهانی (۲۰۱۸ روسیه) پربارتر بود زیرا ایران چهار امتیاز جمع‌آوری کرد که حاصل پیروزی بر مراکش و مساوی کردن با تیم پراعتبار پرتغال بود اما این دستاورد ارزشمند هم باعث صعود ما از گروه‌مان نشد و به عنوان تیم سوم گروه از صحنه پیکارها کنار رفتیم. حالا هم که با نتیجه ویران کننده ۲-۶ به انگلیس باخته‌ایم و فقط تهاجمی بازی کردن و گلزنی و پیروز شدن برابر ولز و امریکا و کسب حداقل چهار امتیاز مقابل آنان ما را به صعود به عنوان تیم دوم گروه نائل می‌کند، باز کی‌روش به اندازه کافی متنبه نشده و به چنین روشی روی نخواهد آورد و ریسک نخواهد کرد و این دو بازی را هم با نهایت احتیاط پشت سر خواهد گذاشت.

آنها شکست‌ناپذیر نیستند

اینک باید پرسید کی‌روش که به رغم ظاهر شادمان و اظهارات امیدوارانه‌اش به سبب شکست سنگین مقابل انگلیس مغبون و از درون ویران است چه میزان بخت برای فراتر رفتن از دستاوردهای ناکافی قبلی‌اش دارد و با توجه به اینکه هنوز بخت صعود برای تیم او موجود و متصور است و همه چیز همچنان در مشت اوست، چه میزان و چگونه از آن در دو دیدار بعدی بهره خواهد گرفت و «یوزها» را تا چه حد به پیش خواهد برد و جواب اینگونه سؤالات اگر در هر جا و هر تورنمنتی مشخص باشد، در مسابقاتی کاملاً غیر قابل پیش‌بینی و عظیم مثل جام جهانی حدس زدنی نیست و نمی‌توان حتی چهار پنج روز پس از شروع این رقابت‌ها پاسخی روشن را بر آن یافت. دشواری پیش‌بینی در این زمینه زمانی آشکارتر می‌شود که در نظر بگیریم به رغم تأکید عده‌ای بر قدرتمند بودن هر دو تیم ولز و امریکا آنها به هیچ روی توقف ناپذیر و مغلوب ناشدنی نیستند. ولز به رغم ریشه داشتن عمیق‌اش در فوتبال بریتانیا با ترکیب و توان فعلی خود تیم متوسطی بیش نیست و امریکا در روزهای غیر خوبش حتی از متوسط هم پایین‌تر است و ایران در روز خوبش می‌تواند امریکا را مغلوب کند و اگر ولز را شکست ندهد، قادر به گرفتن یک نتیجه مساوی مقابل این تیم خواهد بود. حتی انگلیس هم صرفنظر از هر چه که در بازی مقابل ما شکل گرفت تیمی نبوده و نیست که نتوان آن را متوقف کرد و یک نتیجه مساوی از آن گرفت بخصوص که گرت ساوت‌گیت سرمربی پراشتباهش با مهره‌چینی‌های پر حرف و حدیث خود بسیاری از قابلیت‌های پرشمار این تیم را از میان برده است و نباید به صرف ثبت برد ۲-۶ آنها مقابل ایران، ایرادات این تیم و سرمربی آن نادیده گرفته شود.

باخت خفیف، بهتر از بارها گل زدن!

مجموعه عوامل فوق به ما می‌گوید کسب چهار امتیاز در این گروه که می‌تواند اسباب صعود ما به مرحله حذفی شود، نه غیر ممکن است و نه از توان تیم ملی ما که معدودی از نفرات ارشد آن را باشگاه‌های بزرگ جهان هم می‌خواهند (نمونه اعلا: مهدی طارمی) خارج می‌نماید. پس مسأله و سؤالی که باقی می‌ماند، نحوه و میزان استفاده کی‌روش از توانایی‌های ذاتی بازیکنان ما است و اینکه او برای هر مسابقه‌ای چه طرح‌ها و تاکتیک‌هایی را مدنظر دارد. کی‌روش همانطور که پیش‌تر هم به کرات ذکر شده، بارها نشان داده که هر قابلیت موجود در بازیکنان تیمش را حتی اگر هنرنمایی در امور تهاجمی باشد، در خدمت امور تدافعی می‌خواهد و هر توان و کارایی موجود را در همین راستا به کار می‌گیرد. صبر می‌کنیم تا ببینیم کی‌روش در این زمینه چه خواهد کرد اما اگر «گذشته» مبنای تشخیص وقایع «امروز» و «آینده» باشد کی‌روش چنان معتقد به لزوم کسب نتایجی محترمانه است که حاضر است با نادیده گرفتن تمامی قدرت تهاجمی ما و قربانی کردن هر چیز دیگری به این نتایج دست یابد. برای وی قبول یک باخت خفیف هم ارجح بر تهاجمی بازی کردن و زدن یکی دو گل به حریفان است زیرا از این می‌ترسد که با دفاعی بازی نکردن در ازای یکی دو گل زده احتمالی، تیمش سه چهار گل دریافت کند و قضایای ناگوار روز مسابقه با انگلیس برایش تکرار شود و در تضاد با ایده‌هایش متحمل باخت سنگین تازه‌ای شود.

از کلمبیا تا مصر

کی‌روش تجربیات تلخ دیگری هم در این زمینه دارد و یکی از بارزترین آنها حدود دو سال پیش حاصل آمد؟ تیم ملی کلمبیا با هدایت او یکی از بازی‌هایش در دور مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ را با نتیجه یکطرفه صفر-۶ به اکوادور واگذار کرد و همان نتیجه سبب شد زیر پای او خالی و وی چند هفته بعد، از پست سرمربیگری این تیم ذاتاً تهاجمی که در ته دل خود تاکتیک‌های سراسر تدافعی این مربی را دوست نداشت و می‌خواست بی‌محابا حمله کند، برکنار شود و گزارش به مصر بیفتد. به مکانی که او اندیشه‌های تدافعی‌اش را بسیار بیشتر و بهتر و بر اساس سلایقی که داشت و دارد به اجرا نهاد و اگرچه در هر دو هدف بزرگی که داشت ناکام ماند و نه جام ملت‌های آفریقا ۲۰۲۲ را فتح کرد و نه «فراعنه» را به مرحله نهایی جام جهانی امسال رساند اما تا یک قدمی هر دو هدف پیش رفت و فقط در دیدارهای نهایی و آن هم تنها با ضربات پنالتی تسلیم سنگال شد.

افسوس چنان چیزی به سبب استمرار ابدی(!) رویکردهای تدافعی کی‌روش شاید در پایان رقابت‌های «قطر ۲۰۲۲» هم در ذهن و ذائقه او بماند اما شرایط فراهم است تا او با استفاده‌ای هر چه بیشتر از نعمات فنی موجود و توانایی‌های متنوع تیمش به چیزی دست یابد که بسیار فراتر از دستاوردهای او در دو جام جهانی قبلی است.